

بر محور زندگی و مهارت

گپ و گفت معلمان و مؤلفان سه کتاب درسی پایه‌ی سوم

دکتر لیلا سلیقه‌دار

در روزهای پایانی سال ۹۱ میسر شد گروهی از معلمان پایه‌ی سوم به گفت‌وگو با گروهی از مؤلفان کتاب‌های درسی این پایه بنشینند. نکته‌ی مهم در این دیدار، آن بود که معلمان دعوت شده تنها از تغییر یافتن محتوای کتاب‌های درسی مطلع بودند و هیچ صفحه‌ای از کتاب جدید را که در حال تألیف بود، ندیده بودند و بر این اساس می‌توانستند تمام دغدغه‌های خود را برای این تغییر، ارائه دهند و پرسش‌های خود را نه متأثر از محصول نهایی، بلکه با تکیه بر اندیشه‌ها و انتظارات خود بیان کنند. آنچه در ادامه آمده، گزارشی از این نشست است.

جلسه با مقدمه‌ی کوتاهی آغاز شد و هر یک از حاضران به اجمال به معرفی خود پرداختند و بدون معطلی باب گفت‌وگو درباره‌ی کتاب‌های درسی پایه‌ی سوم باز شد. ابتدا نیز هر یک از گروه مؤلفان حاضر در جلسه به معرفی اجمالی کتاب درسی جدید گروه خود پرداختند.

مهارت‌محوری در کتاب فارسی

فریدون اکبری شلدره‌ای، سرگروه تألیف کتاب زبان و ادب فارسی پایه‌ی سوم، نفر اولی است که در مورد تألیف این کتاب می‌گوید:

«کتاب فارسی بخوانیم و بنویسیم جدید در پایه‌ی سوم شباهت‌هایی به لحاظ ساختاری با کتاب قبلی دارد که در آن بر مهارت‌های خواندن که در دل خود پاره مهارت‌های شفاهی و گفتاری را دارد، تأکید شده است. این همان روندی است که در کتاب سال دوم نیز مورد توجه بوده است. رویکرد مؤلفان در تغییر و سازمان‌دهی محتوایی، مهارت‌محور است. از سوی دیگر، از نکات قابل توجه در بحث فارسی، پرداختن به عناصری است که تاکنون دیده نشده بودند. از آن جمله توجه به بافت‌آوایی زبان است که در واقع روح زبان به حساب می‌آید و این روح باید به کالبد زبان بازگردانده شود. لحن کلام، حس و حالی است که به محتوا و متن کتاب داده می‌شود. باید تأکید کرد که در این زمینه به آموزش معلمان به صورت جدی نیازمندیم و این موضوع جای بحث بسیار دارد. در بخش نوشتاری نیز به آموزه‌های نوشتاری از مهارت جمله‌سازی ساده تا رسیدن به مرحله‌ی فرجامی، یعنی مهارت در انشا به صورت سنجیده و طبقه‌بندی شده و گام‌به‌گام توجه شده است.»

در کتاب علوم، تغییر روش مهم است

در ادامه، دوست محمدسمیعی از گروه

مؤلفان کتاب علوم در معرفی این کتاب می‌گوید:

«کتاب‌های علوم تجربی سه پایه‌ی اول، دوم و سوم همه در ادامه‌ی هم هستند. کتاب‌های علوم اول و دوم، از نظر دانش و مفاهیم بیشتر مفاهیم گذشته را دارند، اما آنچه تغییر یافته، روش آن است. در دنیا دو روش برای آموزش علوم وجود دارد: نگاه علم‌محور یا موضوع‌محور و دیگری نگاه زندگی‌محور یا زمینه‌محور. در گذشته، دانش، نگرش و مهارت به طور مجزا مورد نظر بودند. اما به مرور عدم بازدهی این شیوه محرز شد. به همین دلیل در کتب جدید علوم تلاش شده است تا به شیوه‌ی زمینه‌محور یا زندگی‌محور نزدیک شود. در این نگاه، دانش، مهارت و نگرش به صورت تلفیقی آموزش داده می‌شوند. این اتفاق برای کتاب علوم سوم هم مورد نظر است. در کتاب‌های علوم اول تا سوم، مهارت‌های مشاهده، جمع‌آوری اطلاعات و دسته‌بندی و اندازه‌گیری مورد توجه و تأکیدند. ممکن است مهارت‌های دیگری مانند آزمایش هم مطرح شود، اما تأکید بر چهار مهارتی است که اشاره شد.»

از تجربه‌های گذشته می‌گوییم

از گروه معلمان حاضر، نسرین مرحمتی، آموزگار پایه‌ی سوم، اولین پرسش خود را با تردید از اینکه آیا مناسب طرح در این جلسه است چنین مطرح می‌کند: «با توجه به این که

هنوز کتاب تازه تألیف سوم را ندیدم، تجربه‌ای از پایه‌ی دوم مطرح می‌کنم که همکاران ما در این پایه در سال گذشته اظهار می‌کردند. آن‌ها معتقد بودند که کتاب سنگین‌تر شده است و تا حدود دی‌ماه با این کتاب مشکل داشتند. آیا در مورد پایه‌ی سوم هم به این شکل خواهد بود؟»

دکتر معصومه نجفی از دیگر مؤلفان کتاب فارسی پایه‌ی سوم به پرسش طرح شده این‌طور پاسخ می‌دهد: «در قسمت آموزش مهارت‌های زبانی، فرایندهایی تعریف شدند که آموزش آن برای پایه‌ی دوم هنوز زود بود. در کتاب سوم با تغییر ۹۵ درصدی روبه‌رو هستیم. مهارت‌های زبانی همان چهار مهارت قبلی هستند که مورد نظر کتاب قدیم هم بودند و تنها تفکر به آن‌ها اضافه شده است. مهم‌ترین تفاوت این است که کودک بتواند با استفاده از آموزه‌های خود در کتاب فارسی، در جمع به راحتی سخن بگوید، منسجم صحبت کند، پراکنده‌گویی نکند و البته در نوشتن هم واجد چنین ویژگی‌هایی شود، یعنی بتواند نوشته‌اش را از نقطه‌ی مناسبی آغاز کند، آن را بسط دهد و به نتیجه‌ی منطقی برساند.

این فرایند در درک شنیداری نیز مورد توجه است. در خواندن نیز داشتن لحن و آهنگ خواندن و درک متن مورد توجه قرار گرفته است، به شکلی که کودک براساس مبنای علمی در این راه توانمند شود. بر این اساس، تغییر در کتاب سوم،



مهارت‌ها، اعم از خواندن و نوشتن هم رعایت شده و مورد توجه‌اند.»

در ادامه، سید محسن میرمحمد میگوینی، که مسئولیت راهبری آموزشی در گروه‌های آموزشی اداره‌ی کل شهرستان‌های تهران را بر عهده دارد، با طرح موضوعی، سؤال و دغدغه‌ی خود را این چنین مطرح می‌کند: «در پایه‌ی دوم، مشاهده و تجربه‌ی شخصی من از کلاس‌های اطفاف این بود که دانش‌آموزان و آموزگاران با دروس ابتدای کتاب مشکل داشتند و نیز در عمل با اینکه تمرین یا فعالیت خاصی به درستی و بر اساس اصول و نظریه‌ی خاصی طراحی و تنظیم شده بود، باز نمی‌توانست تأثیری در رفتار و عملکرد دانش‌آموز در خارج از کلاس داشته باشد. برای مثال اینکه بتواند به راحتی زبان گفتاری را به نوشتاری تبدیل کند یا در بسط دادن و بیان احساس خود توفیق خاصی را کسب کند. آیا این امر به نوع طراحی و تألیف کتاب ارتباط ندارد؟ آیا در هر پایه بر تعدادی از مهارت‌ها تأکید می‌شود؟»

دکتر اکبری، از گروه تألیف کتاب فارسی در پاسخ به این سؤالات، بر تفکیک نحوه‌ی آموزش معلمان و کار تألیف تأکید می‌کند و می‌گوید: «شکی نیست که میان تألیف کتاب و نوع آموزش و ارائه‌ی آن به معلمان، ارتباط مستقیمی وجود دارد، اما به هر حال باید این دو مقوله را از هم جدا دید. نمی‌توان گفت که در

گیرد، کتاب به شکلی طراحی شود که خودش به تنهایی برای معلم واضح و روشن‌گر باشد. آیا این موضوع مورد توجه مؤلفان بوده است؟» نجفی، از مؤلفان کتاب فارسی برای پاسخ به این سؤال، سراغ کتاب درسی می‌رود و می‌گوید: «برای این منظور، گام‌های آموزش در هر درس مورد تأکید قرار گرفته است تا به این ترتیب برای معلم هم نشانه‌ی اولویت آموزش باشد. برای مثال در تمرین‌های فصل اول و دوم، دانش‌آموز بر خواندن و درک صریح اطلاعات تمرکز دارد، اما در فصل سوم به اولین گام بعد از درک اطلاعات صریح که درک و استنباط است می‌رسیم. در استنباط هم این مراحل در نظر گرفته شده‌اند تا جایی که کودک تا انتهای کتاب بتواند ایده‌های متن و تفسیر را تلفیق کند.

علاوه بر این یک سری علائم صوری در زبان‌شناسی وجود دارند که باعث انسجام متن می‌شوند، مانند ضمایر شخصی، مکان، اشاره و ... این موارد در سه فصل آخر کتاب «بخوانیم و بیندیشیم» مورد توجه قرار گرفته است به شکلی که دانش‌آموز بتواند بین گزاره‌های متن، ارتباط برقرار کند.

این موارد بر اساس نظریه‌ی در حوزه‌ی استنباط با نام سازنده‌گرایی است که بر مبنای آن تمرین‌ها و پرسش‌ها گام‌به‌گام مطرح می‌شوند. این اصول و گذراندن مراحل گام‌به‌گام در سایر

اساسی گام‌به‌گام و اصولی انجام شده است.» پاسخ نجفی نکات تازه‌ای را برای معلمان روشن می‌کند و بر این اساس، آذر زاهدی از دیگر معلمان پایه‌ی سوم که سابقه‌ی تدریس برای معلمان در آموزش ضمن خدمت را هم دارد، می‌پرسد: «آیا در تألیف کتاب شیوه‌ای اتخاذ شده است که اگر معلمی آموزش لازم را ندید، باز بتواند به درستی دانش‌آموز خود را هدایت کند؟»

نجفی، به عنوان عضو گروه مؤلف حوزه‌ی زبان و ادب فارسی پاسخ می‌دهد: «در تألیف کتاب راهنمای معلم هدف به روشنی تعیین شده و به جای استفاده از عبارات‌های کلی، کاربردها شرح داده می‌شوند.»

زاهدی که هم‌چنان پاسخ لازم برای سؤالش را دریافت نکرده است، می‌پرسد: «به عنوان معلمی که هم در ارتباط با دانش‌آموزان هستم و هم در کلاس‌های ضمن خدمت با معلمان بسیاری ارتباط دارم و از طرف دیگر در ارتباط با دفتر تألیف در جریان اهداف مؤلفان و برنامه‌ریزان بودم، این موضوع را دغدغه‌ای بزرگ می‌دانم که گاه بین آنچه در تألیف کتاب مورد نظر بوده تا اجرا، فاصله‌ی زیادی وجود دارد که ممکن است به دلیل درست توجیه نشدن معلمان روی داده باشد. بدیهی است که باید در کنار تغییرات کتاب‌های درسی در زمینه‌ی آموزش معلمان هم اقداماتی مؤثرتر انجام



موجب می‌شود این اتفاق بیفتد آن است که بین تألیف کتاب و انتظاراتی که وجود دارد با آنچه باید در اختیار معلم قرار بگیرد و مورد نظارت باشد فاصله است. برای مثال، کتاب طوری طراحی شده که نیاز به بسته‌ی آموزشی دارد و وعده‌ی آن نیز داده شده است، اما در عمل بسیاری از معلمان تا آخر سال بسته‌ی دریافت نمی‌کنند. آیا تمهیداتی در نظر گرفته‌اند تا در زمان معین آن را در اختیار معلم قرار دهند؟

همچنین درخصوص عامل تفکر که در برنامه‌ی درسی ملی خیلی به آن توجه شده آیا به این موضوع در تألیف کتاب‌های درسی و به‌طور کلی تمام کتاب‌ها نیز توجه شده است؟

عامل تفکر

دوست محمد سمیعی، از مؤلفان گروه علوم حاضر در جلسه، داوطلب پاسخگویی به سؤالات مطرح شده در زمینه‌ی تفکر و مباحث دیگر است. وی می‌گوید: «اسیب‌شناسی روند آموزش ضمن خدمت معلمان در سال گذشته، نشان می‌دهد که مشکلات مدیریتی در این زمینه باید برطرف شوند. برای مثال در سال گذشته ما فایل کتاب راهنما را در اختیار مدرسانی قرار دادیم که بنا بود تدریس معلمان را برعهده داشته باشند تا از این طریق با سرعت بیشتری در دسترس معلمان قرار گیرد. اما در بازدیدهایمان متوجه شدیم که در برخی از استان‌ها، فایل‌ها در اختیار معلمان قرار نگرفته‌اند و برای این کار خود دلایل غیرمنطقی مطرح می‌کردند، از جمله اینکه با ارائه‌ی کتاب راهنما به این شکل، ممکن است سؤالات بسیاری برای معلمان ایجاد شود که ما نتوانیم پاسخ دهیم. این، نشان‌دهنده‌ی آن است که این مدرسان براساس اصول مناسبی انتخاب نشده‌اند و گاهی اطلاعات و اعتماد به‌نفس لازم را ندارند. اما امسال از این مسئله استفاده کردیم و چون زودتر

بسیست سال سابقه‌ی تدریس است، برای شنیدن جزئیات بیشتر تغییرات کتاب قرآن پایه‌ی سوم، تجربه و پرسش خود را اینگونه بیان می‌کند: «در مدت بیست سالی که پایه‌ی سوم را تدریس می‌کنم، هم‌ساله تدریس قرآن هم با خودم بوده و آموزش آن را از اتفاقات خجسته در آموزش و پرورش می‌دانم. به‌نظر می‌رسد این آموزش فعلی این هدف را دنبال می‌کند که دانش‌آموزان به افراد قرآن‌خوان تبدیل شوند. اما نکته‌ای که در کتاب قرآن در حال حاضر مطرح می‌شود این است که چون دانش‌آموزان از طریق شنوایی آموزش می‌بینند و می‌توانند آیاتی را نیز حفظ کنند، اما در خواندن به این اندازه دارای مهارت نیستند و اگر بخواهیم از رو بخوانند مهارتشان چندان قابل قیاس با زمانی نیست که آیاتی را از حفظ می‌خوانند. آیا این موضوع در کتاب جدید در نظر گرفته شده است؟» آقای وکیل ضمن تشکر از این نظر، به پرسش وی پاسخ می‌دهد: «مسئله‌ی قرآن‌دانی بچه‌ها از دغدغه‌های اصلی ما از کلاس چهارم به بعد بوده که در پایه‌ی پنجم و ششم هم دنبال شده است. در کتاب پایه‌ی سوم تغییراتی بر این اساس صورت گرفته است که شاید نیاز به اعمال تغییرات بیشتر هم باشد، مانند بخش کار در کلاس که در کتاب‌های سه سال آخر دوره‌ی ابتدایی منظور شده است. اما در سه ساله‌ی اول دوره‌ی ابتدایی، بنا بر تقاضا و نیازی که وجود دارد به این سمت پیش می‌رویم که دانش‌آموزان بتوانند راه بیفتند و بخوانند.» عیسی وطن‌دوست دیگر نماینده‌ی آموزگاران پایه‌ی سوم و عضو گروه‌های آموزشی شهرستان‌های تهران که راهبر آموزشی این اداره نیز به حساب می‌آید، می‌گوید: «به‌نظر من تدریس قرآن سلیقه‌ای شده است. معلمی که رویکرد قرآنی دارد، دانش‌آموزانش بیشتر با قرآن کار می‌کنند و برعکس. یکی از عواملی که

تألیف کتاب جدید هیچ مشکلی وجود ندارد، اما تجربه نشان داده که سهم بالایی در عدم اجرای درست برنامه، به شیوه‌ی نادرست آموزش معلم مربوط می‌شده است. برای نمونه، هفتم مهرماه سال گذشته هم‌زمان با اجرای تغییرات کتاب درسی پایه‌ی دوم، معلمی از یکی از شهرها با ما تماس داشت و ابراز کرد که درس دوم برای دانش‌آموزان شان سخت است. این درحالی است که در بخش اول کتاب در مهارت‌های نوشتاری، ۱۲ صفحه به تمرین و فعالیت‌های بازآموزی اختصاص داده شده. حال چگونه معلم توانسته است در هفته‌ی اول مهر بی‌اعتنا به این حجم از فعالیت به سراغ درس دوم برود؟ در اینجا باید به نحوه‌ی توجیه معلم و عملکرد او شک کرد. منظور از ذکر این موضوع آن نیست که معلم را مقصر بدانیم، بلکه می‌خواهیم همه توجه داشته باشند که برای اجرای برنامه و آموزش کتاب به شکل مورد انتظار باید به پله‌های مکمل آن، از جمله آموزش معلم و نظارت بر اجرا نیز توجه شود. یعنی همکار معلم بتواند مطابق برنامه در دو هفته‌ی اول سال تحصیلی، تنها یک جلسه کتاب فارسی را باز و صفحه‌ی ستایش را آغاز کند و بعد سراغ سایر مهارت‌های نوشتاری برود.»

مهارت در شنیدن یا خواندن قرآن!

در میانه‌ی این گفت‌وگو، همکاران مؤلف در گروه قرآن نیز به جمع می‌پیوندند و بر این اساس، مسعود وکیل از گروه مؤلفان کتاب قرآن در معرفی مختصر تغییرات این کتاب می‌گوید: «کتاب قرآن در پایه‌ی سوم نسبت به آنچه در سال گذشته بوده از نظر مبانی، اهداف و روش‌ها تغییرات بالایی نداشته است. اما در ادامه و پس از شنیدن نظرات دوستان، در ارتباط با این تغییرات بیشتر توضیح خواهیم داد.» فریدا هاشمی، آموزگار پایه‌ی سوم که دارای



از گذشته کار تألیف آغاز شده است، امیدواریم کتاب راهنما زودتر به دست معلمان برسد. در مورد موضوع تفکر هم باید اشاره کنم که در کتاب‌های علوم در سال‌های قبل، قسمت‌هایی با عنوان «فکر کنید» داشتیم که در کتاب‌های جدید این بخش با عنوان «ایستگاه فکر» مطرح شده است. در شیوه‌ی قبلی، برخی معلمان، «فکر کنید»ها را جمع‌آوری می‌کردند و پاسخ‌ها را روی یک برگه می‌نوشتند و این خلاف انتظار مؤلفان بود. در «ایستگاه فکر» از دانش‌آموز می‌خواهیم که بایستد، بیندیشد و بعد عبور کند و این عبارت حداقل می‌تواند موجب شود تا دانش‌آموز از معلم بخواهد تا در «ایستگاه فکر» کمی صبر کند. ایجاد چنین چالشی می‌تواند به تحقق اهداف این بخش کمک کند.»

مهارت تفکر در قرآن

رضا نباتی دیگر عضو گروه مؤلفان کتاب قرآن، رشته‌ی سخن را به دست می‌گیرد و در ادامه‌ی مطالب مطرح شده می‌گوید: «در بخش استقرار برنامه‌ی درسی، سهم عمده‌ی آن به معلمان و نوع آموزش آنان برمی‌گردد که در این جلسه به آن‌ها اشاره شد. اما نکته‌ی مهم این است که در برخی موارد استقبال نکردن معلم از تغییرات موجب می‌شود تا تغییرات ایجاد شده به درستی مؤثر واقع نشوند. برای نمونه، وقتی با مدارس هوشمند روبه‌رو هستیم، لازم است هوشمندسازی با کلیات و جزئیات قابل توجهش مورد استفاده قرار گیرد، در غیر این صورت به ضرر برنامه‌ی درسی تمام می‌شود. در همین مقوله، معلم تصویر کتاب را روی تابلو می‌اندازد و به دانش‌آموز نشان می‌دهد، اما چون هیچ اشاره‌ای به آن نمی‌کند، تجربه‌ی دیداری صورت نمی‌گیرد، چون معلم نحوه‌ی اشاره‌های ثابت و متحرک در قرآن را انجام نمی‌دهد. جا دارد

این نکته به معلمان یادآوری شود که از تغییرات استقبال کنند. طبق فرمایش مقام معظم رهبری که در سند تحول هم به آن اشاره شده است، بند به بند سند را اجرا کنید و خودتان را پای‌بند به اسناد بالادستی بدانید، زیرا این تغییرات باید سریع‌تر اتفاق بیفتند.

درباره‌ی توجه به مهارت تفکر در قرآن به پیام‌های قرآنی با هدف تفکر در دانش‌آموزان توجه شده است. برای مثال در پیام «و بالوالدین احسانا» هدف این است که فکروروزی در بچه‌ها اتفاق بیفتد و درباره‌ی آن صحبت کنند. اما هنگامی که معلم متوجه هدف نیست به جای این کار برای بچه‌ها سخنرانی می‌کند، خاطره می‌گوید و شعر می‌خواند، در حالی که هدف اصلی، بچه‌ها و تفکر آنان است.»

زاهدی از آموزگاران پایه‌ی سوم در تأیید نظر نباتی می‌گوید: «تجربه‌ی شخصی من هم که بسیار به مقدمه‌ی کتاب و سخنی برای معلم توجه می‌کنم، نشان داده است که این کار موجب سهولت و صحت کار معلم می‌شود. اما این نکته همواره ذهنم را مشغول می‌کند که چرا در کتاب‌ها، همه‌ی دانش‌آموزان و همه‌ی کلاس‌ها یکسان دیده می‌شوند؟ چرا با وجود تفاوتی که خداوند در خلقت بندگانش داشته است، این اصل در کتاب‌های درسی دیده نمی‌شود. من در کلاس‌م طوری برنامه‌ریزی می‌کنم که اگر دانش‌آموزی در خواندن قرآن در یک صفحه‌ی خاص مهارت پیدا می‌کند، دانش‌آموز دیگر هم بنا به توانش در صفحه‌ی دیگر مشغول خواندن باشد. در این حالت همه در حال خواندن هستند و همه هم خوب می‌خوانند.»

حجم کتاب و زمان آموزشی!

این مسئله به یک مشکل عمده در کتاب‌های درسی مربوط می‌شود و آن حجم بالای مطالب

در کتاب‌هاست. برای مثال، در کتاب علوم مطلبی بود که از دانش‌آموز می‌خواست تا ریشه دادن پیاز را ببیند. برای این کار لازم است دانش‌آموز زمانی را صرف کند تا با مشاهده‌ی دقیق، این فعالیت را دنبال کند. حالا تصور کنید معلمی که همواره از کمبود وقت و تمام نشدن کتاب در ترس و اضطراب است، چگونه می‌تواند شرایط را مهیا کند تا دانش‌آموز با گذشت زمان مناسب بتواند به انجام این فعالیت مشغول شود.

این پرسش و نگرانی به درس فارسی هم مربوط می‌شود. وقتی انتظار داریم دانش‌آموزان در جریان کتاب، آوا و لحن مناسب در خواندن را تمرین کنند، آیا حجم مطالب به اندازه‌ی هست که این زمان لازم را در کلاس در اختیار معلم و دانش‌آموزان قرار دهد؟ در غیر این صورت آیا امکان حذف و اضافه کردن مطالب به وسیله آموزگار اندیشیده شده است؟

نبود ارتباط افقی بین مطالب کتاب‌های درسی هم دغدغه‌ی دیگر ماست که از آن به عنوان آسیبی در راه تحقق اهداف کتاب‌های درسی یاد می‌کنم. اگر قرار است مطلبی در کتاب قرآن بیاید، همان موضوع را به نوعی کتاب فارسی پوشش دهد، مسائل ریاضی به آن موضوع مربوط باشد و در سایر کتاب‌ها هم به همین ترتیب کار شود. آیا چنین عملکردی در تدوین کتاب‌ها لحاظ شده است؟»

تعداد زیاد سؤالات مطرح شده می‌تواند تا همه‌ی گروه‌های مؤلفان به آن‌ها پاسخ دهند. برای شروع، اکبری، از گروه مؤلفان حوزه‌ی زبان و ادب فارسی، پیش‌قدم پاسخ‌گویی می‌شود و می‌گوید: «در پاسخ به نادیده گرفتن بخشی از کتاب از سوی معلم باید گفت که انتظار می‌رود معلم کل کتاب را تمام کند، چون نگاه پیوستاری در متن و محتوا وجود دارد و حذف هر قسمت در آموزش قسمت دیگر در پایه‌ی دیگر یا همان پایه



آسیب وارد می‌کند.

رویکردها چیست؟

نازیلا بهروان که عضو گروه‌های آموزشی تهران و آموزگار منطقه‌ی نه آموزش و پرورش است، جهت بحث را به گروه علوم برمی‌گرداند و می‌پرسد: «در تألیف کتاب علوم به رویکرد زمینه‌محوری اشاره شد. پرسش این است که در این کتاب تا چه اندازه زمینه برای دانش آموز فراهم شده است تا به کسب تجربیات دست‌اول بپردازد؟»

سیدمرتضی جدی‌آرانی عضو دیگر گروه تألیف علوم تجربی این‌طور پاسخ می‌دهد: «در بخش اول کتاب راهنمای معلم این موضوع کاملاً توضیح داده شده است. از مهم‌ترین این مطالب آن است که در آموزش علوم باید مسائل در ارتباط با زندگی دانش آموز باشد. به‌طورمشخص کتاب علوم پایه‌ی سوم، چهارده درس دارد که به چهار حوزه‌ی دانشی فیزیک، شیمی، زیست‌شناسی و زمین‌شناسی می‌پردازند. سه درس اول، هشتم و چهاردهم نیز در ارتباط با ماهیت علم است. درس اول به مهارت‌های مشاهده، جمع‌آوری اطلاعات، طبقه‌بندی و اندازه‌گیری اختصاص دارد. در درس هشتم به بحث فناوری به‌ویژه فناوری ساخت وسایل در راستای رویارویی دانش‌آموز با مسائل روزمره‌ی خود اشاره دارد. داشتن هم‌فکری، تلاش برای یافتن راه‌حل‌های گوناگون و در نهایت حل مسئله به‌ویژه مسائل اطراف دانش‌آموز، در این درس از اهم اهداف است.»

مرضیه ضیایی از اعضای گروه‌های آموزشی دوره‌ی ابتدایی اداره‌ی کل شهرستان‌های تهران و راهبر آموزشی در این اداره نیز به دغدغه‌ی اشاره می‌کند که بی‌شبهت به آنچه تاکنون مطرح شده نیست و می‌پرسد: «گذشته از خلاقیت معلمان که اصلی مهم و اساسی در کار معلمی است، آیا امکان انجام تمام فعالیت‌ها برای تمام

مدارس و دانش‌آموزان فراهم است. به کلاس هفت‌پایه در روستایی در شهرستان فیروزکوه فکر کنید که از پیش‌دبستان تا پایه‌ی ششم را در خود دارد. آیا امکان انجام فعالیت‌ها که قطعاً دارای پشتوانه‌ی علمی درستی هستند، در عمل برای تمام شرایط مانند همین روستا مهیاست؟ از طرف دیگر با این موضوع که جایی جدا و مشخص برای تفکر در نظر گرفته شود، بسیار مخالفم، مانند کتاب «پژوهش و تفکر» در پایه‌ی ششم که گویی می‌خواهد به دانش‌آموزان این موضوع را القا کند که در درس‌های دیگر جای فکر کردن نیست. همین اشکال در «ایستگاه فکر» در درس علوم هم که اشاره شد، وجود دارد. آیا در قسمت‌های دیگر درس نیاز به فکر کردن نیست؟ چرا باید این جداسازی انجام شود؟»

در ادامه‌ی سؤالات قبلی، **میگونی** از آموزگاران پایه‌ی سوم به پرسش پاسخ داده نشده‌ی **زاهدی** اشاره‌ی دوباره دارد و می‌گوید: «با این توجه که ارتباط بین گروه‌های درسی می‌تواند تأثیر بیشتری در تحقق اهداف هر درس داشته باشد، آیا ارتباطی به این شکل در مرحله‌ی تألیف کتاب وجود دارد؟»

بتول دادجو از دیگر آموزگاران حاضر در جلسه با نه‌سال سابقه‌ی تدریس، به امکان‌سنجی تخصصی کردن معلمان دوره‌ی ابتدایی اشاره می‌کند و معتقد است این کار می‌تواند موجب شود که اجرای برنامه‌ها و تدریس کتاب‌های درسی با دید تخصصی‌تر صورت گیرد.»

وکیل هم از گروه مؤلفان قرآن، که پاسخ‌ها به سؤالات قبلی را آماده کرده است، در ادامه به تعدادی از آن‌ها اشاره می‌کند: «باید صادقانه مطرح کرد که ارتباط افقی بین گروه‌های درسی تاکنون نبوده یا در سطح قابل قبولی انجام نشده، اما همیشه این ضرورت احساس شده است و امیدواریم در آینده اتفاق بیفتد.»

باید در آموزش قرآن هم اصول و شیوه‌ها رعایت شوند و در چارچوب تعیین شده‌ای فرایند یاددهی و یادگیری هدایت شود تا به بیراهه کشیده نشود. البته با این اوصاف هم تفاوت‌هایی میان کلاس‌های گوناگون وجود خواهد داشت، اما تسلط معلم بر صحت و درستی تدریس، موجب قوت یادگیری دانش‌آموزان خواهد شد.»

زاهدی از گروه معلمان، در تکمیل نظر خود درخصوص ارزش تمام کردن کتاب درسی برای همه‌ی دانش‌آموزان در کلاس، اشاره می‌کند که لازم است در تألیف کتاب، مؤلفان زمانی را به حضور در کلاس و حتی تدریس اختصاص دهند تا بیشتر با تناسب زمان و تدریس کتاب درسی در مدارس به‌صورت عملی درگیر شوند.

آرانی از گروه مؤلفان علوم نیز در پاسخ به پرسش مبتنی بر نبود امکانات لازم به موضوع بسته‌ی آموزشی مربوط به درس علوم، اشاره می‌کند و توضیح می‌دهد: «در حال حاضر بسته‌هایی با عنوان بسته‌های دست‌ورزی علوم که امکانات پیرامونی ساده‌ای را برای این درس دربردارند آماده شده‌اند که می‌توانند برای تدریس علوم زمینه‌ی مشارکت خوبی را برای دانش‌آموزان فراهم کنند.»

و در پایان...

همان‌طور که انتظار می‌رفت کمبود زمان اجازه نداد تا سؤالاتی که به جواب برسند اما جای خوشحالی است که مؤلفان آمادگی خود را همچون گذشته برای دریافت نظرات و سؤالات خارج از جلساتی این چنین اعلام کردند. از حضور خانم مهری خورشیدی، آموزگار منطقه‌ی ده تهران در این میزگرد نیز کمال سپاس را داریم.